

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

## بررسی فقهی - حقوقی مرور زمان در حقوق کیفری ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

از:

مرتضی واحدی پور دهرایی

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا نظری نژاد

اسفند ۱۳۹۲

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق - جزا و جرم شناسی

بررسی فقهی - حقوقی مرور زمان در حقوق کیفری ایران

با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

از:

مرتضی واحدی پور دهرایی

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا نظری نژاد

استاد مشاور:

دکتر حسن شاه‌ملک پور

اسفند ۱۳۹۲

تقدیم به خوبان خوب و یادگاران، همیشه جاوید؛

معلمان دوران ابتدایی تا به امروزم

## تشکر و قدردانی

ستایش خداوند لایزال که پیشانی خضوع جز بر خاک درگاهش نتوان سایید. اکنون که با الطاف بی‌منت‌هایش، قطره‌ای از دریای بی‌کران علمش نصیبم شد سجده شکر به درگاهش می‌نهم و از بزرگواری که در به بار نشستن این پایان‌نامه مرا یاری نمودند تشکر می‌نمایم.

این پایان‌نامه ثمره تلاش و راهنمایی خردمندانه جناب آقای دکتر محمدرضا نظری نژاد است که از صمیم قلبم از ایشان تشکر می‌نمایم. و از استاد گرانقدر مشاورم؛ جناب آقای دکتر حسن شاه‌ملک‌پور که بسیار برایم زحمت کشیده‌اند، کمال سپاسگزاری را دارم. همچنین از اساتید بزرگواریم جناب آقای دکتر مجتبی جانی‌پور و جناب آقای دکتر حسین آقابابایی که علاوه بر درس حقوق به من درس زندگی آموختند، نیز تشکر و قدردانی می‌نمایم.

صمیمانه‌ترین سپاسگزاری خود را نثار خانواده عزیزم به‌ویژه برادران بزرگواریم؛ آقایان استاد فریدون واحدی‌پور، دکتر مسلم واحدی‌پور و دکتر مصطفی واحدی‌پور می‌کنم که دلسوزانه در این راه مرا یاری نموده‌اند. همچنین از الطاف بی‌دریغ دوست خوبم آقای یعقوب روحی تقدیر و تشکر می‌نمایم.

صفحه	عنوان
ح	چکیده.....
۱	مقدمه.....
۲	بیان مسأله.....
۲	پرسش‌ها.....
۳	فرضیه‌ها.....
۳	اهداف تحقیق:.....
۳	روش تحقیق:.....
۳	پیشینه تحقیق:.....
۵	فصل اول: کلیات.....
۶	۱-۱- تعریف و پیشینه تاریخی مرور زمان.....
۶	۱-۱-۱- تعریف مرور زمان.....
۶	۱-۱-۱-۱- تعریف لغوی.....
۶	۱-۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی.....
۷	۱-۲-۱- پیشینه تاریخی مرور زمان.....
۷	۱-۲-۱-۱- مرور زمان در حقوق روم.....
۸	۱-۲-۱-۲- مرور زمان در حقوق بین الملل.....
۹	۱-۲-۱-۳- مرور زمان در حقوق ایران.....
۹	۱-۳-۲-۱-۱- مرور زمان در حقوق ایران باستان.....
۱۰	۱-۳-۲-۱-۲- مرور زمان در حقوق ایران معاصر.....
۱۰	۱-۳-۲-۱-۳- مرور زمان در قوانین قبل از انقلاب.....
۱۲	۱-۳-۲-۲-۱-۱- مرور زمان در قوانین بعد از انقلاب.....
۱۴	۲-۱- مبانی ایجاد مرور زمان و نظریه‌های مختلف.....

- ۱-۲-۱ - ادله قائلین به مرور زمان ..... ۱۴
- ۱-۲-۱-۱ - نظریه تحول شخصیت انسان ..... ۱۴
- ۱-۲-۱-۲ - نظریه اصلاح مجرم ..... ۱۴
- ۱-۲-۱-۳ - نظریه از بین رفتن دلایل جرم ..... ۱۵
- ۱-۲-۱-۴ - نظریه ترس از مجازات ..... ۱۵
- ۱-۲-۱-۵ - نظریه ایجاد حق مکتسب برای مجرم ..... ۱۵
- ۱-۲-۱-۶ - نظریه سقوط حق در نتیجه کوتاهی دستگاه قضایی ..... ۱۶
- ۱-۲-۱-۷ - نظریه چشم‌پوشی دادسرا ..... ۱۷
- ۱-۲-۱-۸ - نظریه فراموش شدن جرم (نسیان) ..... ۱۷
- ۱-۲-۱-۹ - نظریه رعایت مصالح عمومی و اجتماعی ..... ۱۸
- ۲-۲-۱ - ادله قائلین به عدم مرور زمان ..... ۱۸
- ۳-۱ - صور مختلف مرور زمان ..... ۱۹
- ۱-۳-۱ - مرور زمان حقوقی ..... ۲۰
- ۱-۳-۱-۱ - مرور زمان مدنی ..... ۲۰
- ۱-۳-۱-۱-۱ - مرور زمان مملک (مثبت) ..... ۲۰
- ۱-۳-۱-۱-۲ - مرور زمان مسقط (منفی) ..... ۲۰
- ۱-۳-۱-۳-۱ - مرور زمان استماع دعوا ..... ۲۱
- ۱-۳-۱-۴-۱ - مرور زمان مبتنی بر نظم عمومی ..... ۲۱
- ۱-۳-۱-۵-۱ - مرور زمان مبتنی بر اماره پرداخت دین ..... ۲۱
- ۲-۱-۳-۱ - مرور زمان تجاری ..... ۲۲
- ۱-۳-۱-۲-۱ - مرور زمان تجاری عام ..... ۲۲
- ۱-۳-۱-۲-۲ - مرور زمان تجاری خاص ..... ۲۲
- ۲-۳-۱ - مرور زمان کیفری ..... ۲۳
- ۱-۲-۳-۱ - مرور زمان تقاضای تعقیب ..... ۲۳
- ۲-۲-۳-۱ - مرور زمان تعقیب ..... ۲۳
- ۳-۲-۳-۱ - مرور زمان مجازات ..... ۲۳

**فصل دوم: بررسی فقهی مرور زمان کیفری..... ۲۵**

۲-۱- تاریخچه مرور زمان در فقه..... ۲۶

۲-۲- ادله مرور زمان در فقه..... ۲۷

۲-۲-۱- روایات..... ۲۷

۲-۲-۱-۱- روایات منقول از اهل سنت..... ۲۷

۲-۲-۱-۲- روایات منقول از امامیه..... ۲۹

۲-۲-۲- قواعد..... ۳۲

۲-۲-۲-۱- قاعده اعراض..... ۳۲

۲-۲-۲-۱-۱- تعریف قاعده..... ۳۲

۲-۲-۲-۲- مستند قاعده..... ۳۲

۲-۲-۲-۳- قلمرو قاعده..... ۳۴

۲-۲-۲-۲- قاعده استحسان..... ۳۵

۲-۲-۲-۳- قاعده عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی..... ۳۶

۲-۳- بررسی مرور زمان در مجازاتهای اسلامی..... ۳۸

۲-۳-۱- قصاص و دیات..... ۳۹

۲-۳-۲- حدود..... ۴۰

۲-۴- دیدگاه شورای نگهبان درباره مرور زمان..... ۴۷

۲-۴-۱- نقد نظریه شورای نگهبان..... ۵۲

**فصل سوم: انواع مرور زمان کیفری در قوانین موضوعه ایران..... ۵۴**

۳-۱- مرور زمان تقاضای تعقیب..... ۵۵

۳-۱-۱- مرور زمان تقاضای تعقیب قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲..... ۵۵

۳-۱-۲- مرور زمان تقاضای تعقیب در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲..... ۵۶

۳-۲- مرور زمان تعقیب..... ۵۷

۳-۲-۱- مرور زمان تعقیب قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲..... ۵۷

۳-۱-۲-۱- مرور زمان تعقیب در مقررات قبل از انقلاب..... ۵۷



۵۸.....	۲-۱-۲-۳- مرور زمان تعقیب در مقررات پس از انقلاب.....
۶۰.....	۲-۲-۳- مرور زمان تعقیب در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....
۶۳.....	۳-۳- مرور زمان مجازات.....
۶۳.....	۱-۳-۳- مرور زمان مجازات قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....
۶۳.....	۱-۱-۳-۳- مرور زمان مجازات در مقررات قبل از انقلاب.....
۶۴.....	۲-۱-۳-۳- مرور زمان مجازات در مقررات پس از انقلاب.....
۶۵.....	۲-۳-۳- مرور زمان مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....
۶۹.....	۴-۳- جرایم مشمول مرور زمان.....
۶۹.....	۱-۴-۳- جرایم مشمول مرور زمان در قوانین و مقررات قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....
۷۱.....	۲-۴-۳- جرایم مشمول مرور زمان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.....
۷۸.....	نتیجه‌گیری.....
۸۰.....	پیشنهادها.....
۸۱.....	فهرست منابع.....

## چکیده:

عنوان: بررسی فقهی - حقوقی مرور زمان در حقوق کیفری ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

نام دانشجو: مرتضی واحدی پور دهرایی

با تدقیق در فقه و قوانین کشور ما به خوبی مشخص می‌گردد که نهاد مرور زمان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوقی عصر حاضر تلقی می‌گردد. به عبارتی دیگر مطرود گذاردن آن از قوانین کیفری، از یک سو تضییع حقوق متهمینی است که جرایم ارتكابی آنها مشمول این نهاد قرار گرفته و از سوی دیگر توجیهی است بر عدم انطباق تقنینی و دادرسی، که این امر بیشتر منبعت از سوء برداشت و بدفهمی از آراء و اقوال فقهی می‌باشد. نهاد مرور زمان در قوانین کیفری کشور ما با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بوده است؛ بدین توضیح که در قوانین قبل از انقلاب بی‌هیچ قیدی پذیرفته می‌شد. اما در قوانین پس از انقلاب، ابتدا به کلی حذف گردید و سپس به صورت مقید و مشروط مجدداً وارد قوانین کیفری کشور ما گردید که این عطف مجدد نیز با تغییر ماهیت همراه بود؛ چه قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، نهاد مرور زمان در مجموعه قوانین شکلی نمود پیدا کرده بود اما با تصویب قانون اخیرالذکر تغییر ماهیت داده، همانند قوانین قبل از انقلاب مجدداً در مجموعه قوانین ماهوی ظاهر گردید. به هر حال نهاد مرور زمان جزء لاینفک حقوق و در عصر حاضر اجتناب ناپذیر می‌باشد. و چیزی نیست که بتوان به راحتی از آن دست شست و به گرد فراموشی‌اش سپرد و ردّ و نقض آن اولاً، نیازمند تحلیل و تفحص علمی دقیق است و ثانیاً، می‌بایست با نیازها و ضرورت‌های جامعه سنجیده شود؛ چرا که فلسفه پیدایی علم حقوق تنظیم روابط و نظامند کردن نیازها و ضرورت‌های جامعه است. در نتیجه نهاد مرور زمان در قوانین کیفری کشور ما نیازمند تغییراتی اساسی است.

کلیدواژه: مرور زمان، قوانین کیفری ایران، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فقهی - حقوقی.

## مقدمه:

با تغییر و دگرگونی جوامع بشری، علم حقوق نیز به تبع آن مستلزم تغییر و دگرگونی است. از این رو، بکارگیری اصول و نهادهای حقوقی سنتی و قدیمی بدون لحاظ این تغییرات منجر به آن خواهد شد که حقوق کارکرد خود را از دست داده و نتیجه‌ای عکس آنچه انتظار می‌رود به دست دهد. نهاد مرور زمان و به طریق اولی مرور زمان کیفری نیز از این قاعده مستثنی نیست. بدین وصف لازمه کارایی و پویایی آن نوگرایی و هماهنگی با مقتضیات زمان است.

مرور زمان کیفری رابطه مستقیم با حقوق شهروندان جامعه دارد. از اینرو افراط و یا تفریط در برخورد با آن حسب مورد موجب افراط و یا تفریط در حقوق شهروندان خواهد شد. در نتیجه در برخورد با آن در نظر گرفتن تمام جوانب امر ضروری می‌نماید و نباید با تنگ‌نظری و یک‌جانبه‌نگری و فارغ از مقتضیات و ضروریات جامعه با آن برخورد نمود.

فقه اسلامی در راستای هدایت خداپسندانه اشخاص، وظیفه دارد که درباره پدیده‌های نو حقوقی اعلام نظر کند. اظهار نظر فقهی، محتاج صلاحیت‌های ویژه و مبتنی بر شیوه خاص خود است. در این باره دو گرایش ویرانگر وجود دارد: گروهی به مجرد اینکه نهاد یا قاعده‌ای در مجموعه‌های فقهی ما نام‌آشنایی ندارد و عنصری وارداتی است، آن را بیگانه و نامشروع می‌پندارند. برخی دیگر با توجه به این‌که نهاد یا قاعده حقوقی نو، ره‌آورد فرهنگ و تمدن دنیای پیشرفته و از مقتضیات گذر به مدرنیته است و جامعه ما را گریزی از آن نیست، در پذیرش و مشروع پنداشتن آن درنگ روا نمی‌دارند. وجه مشترک این دو گرایش، ساده‌انگاری در برخورد با پدیده‌های جدید حقوقی است. این دو گروه، به جای پرداختن به مبانی، موجبات پیدایی، اهداف و آثار و در یک کلمه توجه به جوهر و گوهر یک پدیده حقوقی، صرفاً به صورت و صدف آن می‌پردازند. حال آنکه آنچه در گام نخست شایسته بررسی علمی است، ذات و گوهر یک مسأله است، پس از آن باید به حدود و ثغور آن پرداخت.

نهاد مرور زمان در شکل کنونی آن، معلول رشد فزاینده جمعیت و حجم انبوه دعاوی در مراجع قضایی و ماهیت متنوع و پیچیده مسائل حقوقی و در نتیجه روند رسیدگی به آنهاست که خود متأثر از روابط اجتماعی و فناوری جدید است که نظم جدیدی را در ساختار نظام قضایی طلب می‌کند.

در این پژوهش مسائل و مباحث پیرامون مرور زمان در حقوق کیفری کشور ما در سه فصل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که در فصل اول کلیات مرور زمان کیفری مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ در فصل دوم به بررسی فقهی مرور زمان که شامل آراء و اقوال مختلف در این خصوص است پرداخته می‌شود و نهایتاً فصل سوم به مرور زمان کیفری در حقوق کیفری حال حاضر کشور ما می‌پردازد و در خاتمه نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

## بیان مسأله:

مرور زمان کیفری که یکی از موانع تعقیب کیفری محسوب می‌شود از مباحث بحث برانگیز قوانین کیفری کشور ما می‌باشد. چه، در قوانین کیفری قبل از انقلاب اسلامی در جرایم متعددی مورد پذیرش قرار گرفته بود. حال آنکه پس از انقلاب، به دلیل مخالفت صریح فقهای شورای نگهبان، این نهاد سال‌ها مسکوت گذاشته شد، تا اینکه در سال ۱۳۷۸ با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به صورت محدود و فقط در جرایم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی مورد پذیرش قرار گرفت. این در حالی بود که هیچ یک از قوانین و مقررات کیفری جاری کشور به طور واضح و مشخص مجازات بازدارنده را معین ننموده و این خود سبب اختلاف نظرها و تشتت آراء گردیده است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مرور زمان را فقط در خصوص پاره‌ای از جرایم تعزیری پذیرفته و همچنین مرور زمان شکایت را همانند قانون مجازات عمومی، اصلاحی سال ۱۳۵۲ به دو نوع دیگر یعنی مرور زمان تعقیب و مجازات افزوده است. در این قانون به بحث مرور زمان به صورت مفصل‌تر نسبت به قوانین قبلی پرداخته شده است. بدین توضیح که مواد ۱۰۵ تا ۱۱۳ آن به این نهاد اشاره دارد و مرور زمان اقدامات تعقیبی یا تحقیقی طی پنج گروه از جرایم تعزیری به ترتیب از اشد تا اخف از پانزده سال تا سه سال و مرور زمان احکام قطعی تعزیری از تاریخ قطعیت حکم نیز در پنج گروه به ترتیب از اشد تا اخف و از بیست سال تا پنج سال تعیین گردیده است. بعلاوه در این قانون در جرایم قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت نکند، حق شکایت کیفری از او ساقط می‌شود که این نوع مرور زمان در قوانین پس از انقلاب وجود نداشت. البته لازم به ذکر است که این قانون نسبت به قانون قبلی در خصوص مرور زمان قدری مناسب‌تر به نظر می‌رسد اما خالی از اشکال نمی‌باشد.

با توجه به مراتب پیش‌گفته و نظر به اینکه نهاد مرور زمان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و با گذشت زمان، جامعه جرم ارتكابی سابق را به فراموشی خواهد سپرد و مجازات در این حالت کارکرد خود را از دست خواهد داد و با توجه به عدم اشکال و ایراد در خصوص قانون‌گذاری مرور زمان در مجازات‌ها توسط دستگاه قانون‌گذاری که خود همان مجازات را انگاشته است؛ در این پژوهش به بررسی فقهی- حقوقی مرور زمان در حقوق کیفری ایران با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته خواهد شد.

## پرسش‌ها:

۱- جایگاه مرور زمان در فقه چگونه است؟

۲- آیا مرور زمان می‌تواند ساقط‌کننده مجازات تکمیلی و تبعی باشد؟

۳- آیا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ توانسته است مشکلات و ابهامات ناشی از نهاد مرور زمان در قوانین کیفری کشور ما را مرتفع نماید؟

#### فرضیه‌ها:

فرضیه اول:

جایگاه مرور زمان در فقه مبهم و محل اختلاف است.

فرضیه دوم:

مرور زمان همانند مجازات اصلی می‌تواند مسقط مجازات‌های تکمیلی و تبعی نیز باشد.

فرضیه سوم:

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشکلات و ابهامات ناشی از مرور زمان مرتفع نگردیده و از شکلی به شکل دیگر نمود پیدا کرده است.

#### اهداف تحقیق:

در این پژوهش نظر بر این است که مشکلات و ابهامات ناشی از نهاد مرور زمان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گیرد. عواید و فواید آن جهت اجرای صحیح عدالت در جامعه مورد تبیین و تفسیر قرار گیرد. و در نهایت راه‌کارها و پیشنهادهای علمی و عملی جهت رفع ابهامات و اشکالات موجود ارائه گردد.

#### روش تحقیق:

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مقالات، اسناد و مقالات الکترونیکی انجام می‌پذیرد. پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل بر روی داده و تطبیق آرای گوناگون و ارائه نظرات خود، در نهایت به نتیجه‌گیری و پیشنهادها خواهد رسید.

#### پیشینه تحقیق:

پایان‌نامه‌ای با این عنوان مشاهده نشد. اما کتب و پایان‌نامه‌هایی در ارتباط با این موضوع وجود دارند از جمله؛

۱- بررسی فقهی حقوقی مرور زمان، از احمد دیلمی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.

۲- اسلام و قانون مرور زمان، از محسن شفایی، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۴۵.

- ۳- مرور زمان از لحاظ فقه اسلامی، از عبدالصاحب شفایبی، تهران، مسعود سعد، ۱۳۳۳.
- ۴- مرور زمان در دعاوی حقوقی و کیفری، از فتح الله یآوری، فصلنامه رهنمون، شمارگان ۴ و ۵، تهران، ۱۳۷۲.
- ۵- مرور زمان در حقوق کیفری ایران از حسینعلی نصرالله پور، استاد راهنما حسین دادبان، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
- ۶- قلمرو اعمال قوانین کیفری ایران در زمان، از محسن عینی، استاد راهنما محمد جعفر حبیبزاده، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- ۷- مرور زمان در حقوق کیفری ایران، از کریم اتقایی کردکلایی، استاد راهنما کیومرث کلانتری، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۰.
- ۸- مرور زمان در حقوق کیفری اسلام، ایران، فرانسه و مصر، از عادل ساریخانی، استاد راهنما محمد جعفر حبیبزاده و مصطفی محقق داماد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
- پایان نامه‌های صدرالذکر به صورت محدود و گذرا به بحث فقهی مرور زمان کیفری پرداخته‌اند. اما پایان نامه حاضر به صورت مفصل و طی یک فصل مجزا به بحث فقهی مرور زمان کیفری پرداخته است. همچنین به دلیل جدیدالتصویب بودن قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) که مواد مربوط به مرور زمان در آن آمده است، هیچ یک از پایان نامه های مذکور بدان نپرداخته‌اند. اما پایان نامه حاضر آن را نیز مورد بحث و بررسی قرار داده است.



## ۱-۱- تعریف و پیشینه تاریخی مرور زمان

پرداختن به قاعده مرور زمان مستلزم آن است که ابتدا تعریف آن مورد بررسی و کاوش قرار گرفته و سپس آبخشور تاریخی آن مشخص گردد. از این رو در این مبحث طی دو گفتار؛ ابتدا به تعریف مرور زمان و سپس پیشینه تاریخی آن پرداخته خواهد شد.

### ۱-۱-۱- تعریف مرور زمان

#### ۱-۱-۱-۱- تعریف لغوی

مرور زمان در فرهنگ فارسی به معنای رفتن، گذشتن و گذر زمان آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۷۹۳). این واژه در فرهنگ حقوقی عرب، اغلب به عنوان «التقادم» و گاه «مرور الزمن» یا «مضی المدة» به معنی گذشتن و سپری شدن مدت آمده است. نزد حقوقدان انگلیسی رایج‌ترین آن «prescription» است اگرچه تحت عنوان «Limitation» و «time Lapse of» نیز مطرح می‌شود (جیرار کورنو، ۱۴۱۸: ۵۲۹). اما در حقوق فرانسه واژه «La prescription» معادل مرور زمان است که معنی لغوی آن سرلوحه است (Oxford Dictionary of law: ۳۵۰).

#### ۱-۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی

تعریف اصطلاحی مرور زمان از تعریف لغوی آن دور نیفتاده و مفهوم لغوی مزبور در اصطلاح نیز مستتر می‌باشد. در قوانین کیفری، تعریفی از مرور زمان به عمل نیامده است. اما تنها، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸/۶/۲۵ در ماده ۷۳۱ خود مرور زمان را این گونه تعریف کرده است: «مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی است که به موجب آن پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود» (اسماعیل ذهب، ۱۹۹۸: ۲۴۳). در خصوص مرور زمان کیفری حقوقدانان تعاریف مختلفی از آن بدست داده‌اند. از نظر برخی؛ «مرور زمان کیفری عبارت است از گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، تعقیب جرم یا اجرای احکام قطعی کیفری موقوف می‌شود. به بیان دیگر هرگاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به تعویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی نیز به اجرا گذاشته نمی‌شود، در این صورت می‌گویند جرم مشمول مرور زمان شده است» (آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

در تعریف دیگری از مرور زمان آمده است؛ «مرور زمان جزایی عبارت از گذشتن مدتی است از تاریخ ارتکاب جرم یا از تاریخ صدور حکم مجازات بدون اینکه مجرم مورد تعقیب قرار گرفته و یا حکم صادره در حق او به مورد اجرا گذاشته شده باشد، در تمام صور مزبور مجرم دیگر قابل تعقیب نبوده و حکم صادره نیز قابل اجرا نخواهد بود» (سمیعی، ۱۳۴۸: ۱۶۲).



از دیدگاه دیگری نیز مرور زمان این گونه تعریف شده است؛ «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانون، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست» (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۶۲).

با توجه به تعاریف بالا به نظر می‌رسد که تعریف اخیر از مرور زمان نسبت به سایر تعاریف جامع‌تر باشد چه، اولاً، به هر سه نوع از مرور زمان (شکایت، تعقیب، و مجازات) اشاره دارد ثانیاً، جنبه عمومی جرم را مورد اشاره قرار داده است. پر واضح است که جنبه خصوصی جرم هیچ‌گاه مشمول مرور زمان نخواهد شد. با این همه هیچ یک از تعاریف فوق جامع و مانع به نظر نمی‌رسد، و دلیل آن هم صرفاً استدلال و برداشت حقوقدانان از اصطلاحات حقوقی می‌باشد. از این رو به نظر اینجانب مرور زمان جزایی را بطور اعم می‌توان این گونه تعریف نمود؛ «مرور زمان کیفری عبارت است از سپری شدن مدتی از تاریخ ارتکاب جرم یا آخرین اقدام تعقیبی متهم و در صورت تعقیب و تعیین مجازات از تاریخ قطعیت حکم و یا قطع اجرای آن در جرایم عمومی مطابق قانون تقاضای تعقیب یا تعقیب مجدد و یا اجرای مجازات حسب مورد امکان‌پذیر نباشد».

#### ۱-۱-۲- پیشینه تاریخی مرور زمان

مراد از پیشینه تاریخی مرور زمان بحث و فحوص در خصوص تاریخچه این قاعده حقوقی است، بدین توضیح که مشخص نماییم پیدایش این قاعده از کجا بوده و سابقه آن در علم حقوق و به تبع حقوق کشور ما از چه زمانی می‌باشد.

#### ۱-۱-۲-۱- مرور زمان در حقوق روم

دیدگاه بیشتر دانشمندان آشنا به علم حقوق و مسایل حقوقی این است که، آغازین سیستم حقوقی که مرور زمان در آن به صورت رسمی مطرح گردیده، حقوق رومی است.

یکی از نویسندگان می‌نویسد؛ «این واژه جدید است و در طول نیم قرن اخیر در زبان فارسی پیدا شده است. واژه درستی نیست زیرا حکایت از گذشته نمی‌کند. زمان دائماً در حال استمرار است پس معلوم نمی‌شود که به خصوص گذشته نظری هست. لیکن فعلاً در اذهان، مفهوم گذشته را از آن می‌یابند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۶: ۱۰۶۵). این قاعده از قوانین سولون<sup>۱</sup> (مقنن رومی) و از قوانین الواح دوازده گانه بوده که بوسیله دسومبر<sup>۲</sup> (ده نفر از قضات برجسته آن کشور) که مأمور مخصوص جمع آوری قوانین بوده اند گرفته شده است (سرمدی، ۱۳۱۶: ۲۴).

---

1- Solon

2- Decemvirs

نخستین قانون رومی که قاعده مرور زمان را پذیرفته و سپری شدن پنج سال را مسقط و پاک کننده بزه زنا می‌داند، قانون ژولیا<sup>۱</sup> می‌باشد (واعظی، ۱۳۴۵: ۷). قانون مرور زمان به عنوان یک قاعده حقوقی در آن زمان به معنی کلمه اوزوکاپیون<sup>۲</sup> (تصرفات مادی) استعمال می‌شد. امپراتورهای قبل از ژوستی نین، این رویه را مجاز دانسته و اوزوکاپیون را به مالکیت حقوق مدنی و مرور زمان را به مالکیت فطری و طبیعی اطلاق می‌کردند. ولی ژوستی نین عموم این مشخصات را رد کرده و همه ویژگی های اوزوکاپیون به مرور زمان منتقل گردید. به خاطر قوانین ژوستی نین مرور زمان سی یا چهل سال بود (پاشا، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

### ۱-۲-۲- مرور زمان در حقوق بین الملل

در حقوق بین الملل در خصوص پذیرش مرور زمان رویه یکسانی وجود ندارد. در کشورهای مبتنی بر سیستم حقوقی رومی- ژرمنی این قاعده بیشتر از کشورهای کامن لا پذیرفته شده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۲۳۴). برای مثال در برخی کشورها مانند انگلستان مرور زمان پذیرفته نیست (آشوری، ۱۳۸۷: ۲۰۵). در برخی از کشورها مانند فرانسه مرور زمان هم در امور مدنی و هم کیفری مورد پذیرش قرار گرفته است (میرمحمد صادقی، همان: ۳۸۳). با این همه در اغلب کشورها این نهاد مورد پذیرش قرار گرفته است.

در بین مکاتب حقوقی نیز در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش مرور زمان اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال مکتب اثباتی (تحقیقی) همانند مکتب عدالت مطلق با این نهاد مخالفند و معتقدند که مجازات با گذشت زمان زائل نخواهد شد. در این بین بکاریا بدون این که به زیان بار بودن مرور زمان معتقد باشد بر متناسب بودن مدت آن با اهمیت جرم و مجازات تأکید ورزیده است. این حقوقدان با اعمال مرور زمان در جرایم مهم مخالف است. او می‌نویسد: «وقتی جنایتهای جانگدازی که خاطره آنها تا دیرزمان در اذهان آدمی باقی است به اثبات رسید، سزاوار نیست که با فرار بزهکار و گریز از کیفر مشمول مرور زمان شود...» (بکاریا، ۱۳۶۸: ۴۸).

در اسناد بین‌المللی، از جمله معاهدات مهم حقوق بشری نهاد مرور زمان مسکوت گذاشته شده است. در مقررات راجع به محاکم نورنبرگ و توکیو به موضوع مرور زمان اشاره‌ای نشده بود. دلیل این امر واضح است؛ متهمان محاکم دوگانه مذکور در اختیار تعقیب‌کنندگان بودند و بنا بود که این محاکم سریعاً به اتهامات آنها رسیدگی کنند. بنابراین نیازی به پیش‌بینی مرور زمان در مورد دعاوی مطروحه در این دو محکمه وجود نداشت و البته در آن زمان هیچ کس فکر نمی‌کرد

---

1- Julia

2- Usucapion

که حتی تا نیم قرن بعد از آن تاریخ بعضی از کشورهای اروپایی افرادی را به اتهام شرکت در جنایات نازیها به محاکمه بکشند.

در اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق و رواندا نیز ذکری از مرور زمان به میان نیامده بود. بدین ترتیب فقط در برخی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یکی از کنوانسیون‌های شورای اروپا در مورد جرایم بین‌المللی و «کنوانسیون بین‌المللی عدم اعمال مرور زمان به جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت» در سال ۱۹۶۸ مرور زمان مورد اشاره قرار گرفته است که اینها هم از جمله اسناد و مدارک مهم بین‌المللی محسوب نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

در اولین پیش نویس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، ماده‌ای در مورد مرور زمان وجود نداشت اما تدوین‌کنندگان اساسنامه ماده مربوط به مرور زمان را در اساسنامه وارد کردند. به موجب ماده ۲۹ اساسنامه، جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه قرار دارد مشمول مرور زمان نمی‌شوند. از این رو هرگاه مرور زمان در قانون اساسی کشوری پیش‌بینی شده باشد در این حالت اقدام آن کشور به تسلیم افراد برای محاکمه در دادگاه کیفری بین‌المللی پس از شمول مرور زمان می‌تواند خلاف قانون اساسی آن کشور باشد. در این صورت این کشورها نیاز به اصلاح یا تفسیر قانون اساسی خود دارند و چه بهتر که در این گونه جرایم شمول مرور زمان را حتی نسبت به رسیدگی محاکم داخلی ملغی نمایند تا بتوانند از اصل «تکمیلی بودن» صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی استفاده کرده و خود به اتهام این گونه متهمان رسیدگی نمایند (همان).

### ۱-۲-۳- مرور زمان در حقوق ایران

پیشینه تاریخی مرور زمان در حقوق ایران را می‌توان در دو دوره مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد؛ دوره ایران باستان و دوره ایران معاصر. از این رو در ادامه، این مطالب را طی دو قسمت مجزا مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱-۲-۳-۱ مرور زمان در حقوق ایران باستان

تاریخ دقیق تأسیس قاعده مرور زمان در حقوق ایران باستان مشخص نیست. به اعتقاد برخی، پیشینه تاریخی مقررات مرور زمان در ایران، به حقوق مغرب زمین، به ویژه فرانسه باز می‌گردد و آن نیز ریشه در حقوق رم دارد (شفایی، ۱۳۳۳: ۳). از این رو نهاد مرور زمان بدو از حقوق رم به حقوق فرانسه و سپس وارد حقوق ایران گردیده است. در تاریخ مکتوب حقوق ایران، اولین بار قاعده مرور زمان در «یاسای چنگیزی» مطرح گردیده است. در قسمتی از آن آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، بقوة الله تعالى و میامن المله المحمديه، به فرمان سلطان محمود غازان در یرلیخ، منصب قضا از قیود و شروطی که متعارف و معهود است، مذکور بود که باید قاضی را هیچ آفریده از حکام و امراء و وزراء به خانه خود نطلبید و همه کس جهت فیصل قضایا به دارالقضاء رود و قاضی به هیچ علت و بهانه‌ای از مردم چیزی نگیرد و هرگاه حجتی نو نویسد، قباله کهنه را در طاس نابود گرداند و از هر کسی حيله و تزویری ظاهر شود، ریش او را تراشیده و برگاو نشانند و گرد شهر برآورند.

یرلیخ دوم- چون همگی همت ما بر این است که امور جمهور، بر نهج عدالت فیصل پذیرد و موارد نزاع از میان خلائق ارتفاع یابد و حقوق در مراکز خویش قرار گرفته، ابواب تزویر مسدود گردد، چون به حضور قضات و علماء یرلیخ فرمودیم که در فصل قضایا و برایا، بر وجهی که مقتضی شریعت غرا باشد و از شوائب تزویر و مداهنه معری بود، امعان نظر کنند و قبالات را که مدت سی سال دعوا نکرده باشند- مزوری آن را دستور ساخته خواهد کرد که به حمایت قوی دستی مدعی باطل خود را به ثبوت رسانده- اصلاً مسموع ندارند و مرافعه آن قضیه نکنند و هیچ آفریده‌ای را مجال تمرد ندهند و اگر یکی از اهل اقتدار از ایشان الحاح فرماید و از مقتضای رفیع تجاوز نماید، کیفیت عرضه داشته کند تا بر وجهی او را سیاست فرماییم که موجب عبرت عالمین گردد و سوادها نزد جمیع قضات ممالک فرستاده و از تمامی قضات وثیقه و مهر ایشان گرفته که اگر دعاوی سی ساله مرافعه کنند، مستحق تعزیر و تأدیب و مستوجب عزل باشند» (همان: ۴).

از نوشته بالا که در یاسای چنگیزی آمده به خوبی استنباط می‌شود که در ایران باستان قاعده مرور زمان سابقه داشته است اما همان گونه که در ابتدای این بحث اشاره شد، تاریخ دقیقی بر آن ذکر نشده است و این دلیلی بر نفی این قاعده در حقوق ایران باستان نمی‌باشد.

## ۱-۲-۳-۲-۱-۱ مرور زمان در حقوق ایران معاصر

منظور از مرور زمان در «حقوق ایران معاصر»، حقوق فعلی و حال حاضر ایران نیست. بلکه، مقصود در این گفتمان، بحث و بررسی قوانین و مقرراتی است که به صورت رسمی به تصویب مقنن وقت رسیده و تحت عنوان قانون در آمده است که در این گفتمان طی دو قسمت، یعنی مرور زمان در قوانین قبل و بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱-۲-۳-۲-۱-۱ مرور زمان در قوانین قبل از انقلاب

تاریخچه مرور زمان در قوانین ایران به بعد از انقلاب مشروطیت و تشکیل عدلیه به صورت جدید مربوط می‌شود. الزام مالکین به ثبت املاک خود به موجب «قانون ثبت اسناد» مصوب سال ۱۲۹۰ و «قانون ثبت اسناد و املاک» مصوب سال ۱۳۰۸ باعث بروز اختلافاتی در امر مالکیت شد، زیرا اکثر مالکین صرفاً تصرفات طولانی خود یا مورث خود را دلیل مالکیت